

شتاب زندگی آفت مهم تصحیح متون است



حجت‌الاسلام سید محمد طباطبایی یزدی از مصححان و مدیران اجرایی بنیاد محقق طباطبایی معتقد است که تصحیح متون یک کار تخصصی است و یک مصحح باید اهلیت این کار را داشته باشد. تصحیح هر متنی نیازمند دانش تخصصی درباره آن متن است. رساله‌ها و نسخه‌های خطی در شاخه‌های مختلف علمی و فرهنگی از جمله فلسفه و کلام یکی از میراث‌های کهن و البته پررنگ تمدن ایران اسلامی است که امروزه از آن با عنوان «فلسفه اسلامی» یاد می‌شود. این میراث فکری، که امروزه در میان اهل فن با نام «تراث اسلامی» یاد می‌شود، باب ورود معاصران به دنیای گذشته و بررسی تفکر شکل گرفته در آن سال‌ها است. از چند سال گذشته پژوهشگران و نهادهایی برای شناسایی، تصحیح و انتشار این تراث پا به عرصه تحقیق گذاردند. این فتح باب و به سرانجام رساندن این امر مهم نیز به دور از مسائل فنی و علمی نیست.

حجت‌الاسلام سید محمد طباطبایی یزدی، مصحح و یکی از مدیران اجرایی بنیاد محقق طباطبایی معتقد است مشکل اصلی در امر تصحیح متون این است که یک مصحح متون تاریخی، متن‌های فلسفی، حکمی و کلامی را نیز تصحیح می‌کند در حالی که تصحیح هر متنی دانش خاص خودش را می‌طلبد. وی در مجموع وضعیت ایران در احیای تراث اسلامی را خوب ارزیابی کرده است. مشروح گفت‌وگوی اینبا با این مصحح و پژوهشگر نسخ خطی را در ادامه بخوانید:

از آنجا که تراث اسلامی میراث معنوی و فکری ایران اسلامی است و رساله‌ها و نسخه‌های خطی در حوزه فلسفه اسلامی نیز جزیی از آن‌ها به شمار می‌آید، ایرانیان معاصر و پژوهشگران تا چه میزان توانسته‌اند از این میراث فکری محافظت و آن را به درستی احیا کنند؟

البته محافظت و احیا دو مقوله جدا از هم هستند که در زمان معاصر شاهد وضع نسبتاً مطلوبی در هر دو زمینه هستیم. درباره محافظت نسخ خطی باید بگویم که در کتابخانه‌های ایران به خوبی از نسخه‌ها محافظت و نگهداری می‌شود اگر چه دسترسی به نسخه‌ها در برخی از آن‌ها دشوار است و محققان و مصححان ما از این نظر شیکوه دارند که گاهی نسخه مورد نیاز ما را کتابخانه‌ها در اختیارمان قرار نمی‌دهند اما در کتابخانه‌های شخصی مساله طور دیگری است یعنی بسیاری از نسخه‌ها در معرض آسیب دیدن

و بلکه تلف‌شدن هستند و به یاد دارم که پدرم مرحوم «سید عبدالعزیز طباطبایی» که نسخه‌شناس متبحری بود همیشه افراد صاحب نسخه را ترغیب می‌کرد که نسخه‌هایشان را به کتابخانه‌های معتبر ایران اهدا کنند و یا اینکه به آن کتابخانه‌ها بفروشند. خود ایشان هم بنایش بر جمع‌آوری نسخ خطی در کتابخانه شخصی‌اش نبود.

اما درباره تصحیح متون، می‌توانم بگویم وضعیت تصحیح متون در کشور ما خوب است و در حال حاضر از بسیاری جلوتر هستیم. البته باید بین تصحیح و تحقیق فرق قائل شد و به نظرم شیوه غربی‌ها برتری دارد که اصل را بر تصحیح متن گذاشته‌اند و هرگونه تعلیقات و توضیحات و مستندسازی عبارات متن را به حوزه دیگری واگذار می‌کنند. درباره متون کهن میراث اسلامی که از منابع اندیشه ما به‌شمار می‌روند با توجه به کهن بودن نسخه و فاصله زمانی زیاد با مؤلف کتاب تصحیح درست و استاندارد آن است که بیشترین شباهت و قرابت را با نوشته نویسنده داشته باشد و به قول «عبدالسلام هارون» مصحح توانای مصری: «و کان متنه اقرب ما یكون الی الصورة الی ترکها مؤلفه». تصحیح یعنی به دست دادن متنی هر چه نزدیک‌تر به متن اصلی.

برخی متون ما آنقدر حاشیه و پاورقی می‌خورند که متن اصلی در آن گم شده است. بهترین شکل تصحیح متن تصحیح به شیوه انتقادی است که متأسفانه شیوه تصحیح انتقادی تصحیح متون در کشور ما جا نیفتاده است و بیشتر مصححان با اصول و قواعد آن آشنایی ندارند. ملاحظه کنید کتاب «سوانح» احمد غزالی را نخستین بار «هلموت ریتر» محقق سختکوش آلمانی بر مبنای شش نسخه خطی تصحیح کرده است که این اثر نخستین بار در سال ۱۹۴۲ میلادی در ترکیه به چاپ رسیده است، یعنی تا پیش از این تاریخ به‌صورت خطی بوده است. این کتاب با اینکه پس از او بارها در کشور ما چاپ شده است - فکر کنم ۱۶ بار چاپ شده است - ولی همه چاپ‌ها مغلوط هستند و هنوز همان تصحیح قدیم «ریتر» که با دقت فراوان صورت گرفته است بهترین چاپ این کتاب است.

آقای دکتر پورجوادی در مقدمه خود بر چاپ مجدد کتاب، به‌خوبی اهمیت کار ریتر را منعکس کرده است. البته به این معنی نیست که هر چه در غرب تصحیح می‌شود همین رتبه را دارد. اهمیت کار غربیان این است که تحقیق و تصحیح‌شان روش‌مند است اما باز اخیراً تصحیحاتی می‌بینیم که چندان قوتی ندارند بلکه ضعیف هستند. هر چه باشد انسان غربی با فرهنگ اصیل ما بیگانه است و ممکن است واژه‌هایی را متوجه نشود. اخیراً دیدم یکی از آنان «لم يتجاوز عن آذانهم» که به معنی این است که از «گوش آنان تجاوز» نمی‌کند. «آذان» را به معنی آذان (آذان و اقامه) گرفته است - و نه جمع کلمه «أذن» به معنی گوش - و کلی در تأویل آن به‌خود زحمت داده است.

شما به عنوان یکی از مصححان در حوزه اندیشه اسلامی و یکی از بازوهای اجرایی «بنیاد محقق طباطبایی» این مهم (احیای تراث اسلامی) در ایران را تا چه میزان موفق ارزیابی می‌کنید؟

بنده خوش‌بینانه به این موضوع نگاه می‌کنم به نظرم گام‌هایی جدی در راه احیای تراث اسلامی به‌ویژه در این سه دهه اخیر برداشته شده است. البته به معنی این نیست که ما در وضعیت ایده‌آلی به‌سر می‌بریم. لازم است اشاره کنم که تصحیح متون یک کار تخصصی است که دارای ضوابطی است و یک مصحح باید اهلیت این کار را داشته باشد. مشکل اساسی ما این است که برخی افراد هم متن حدیثی تصحیح می‌کنند مثلاً هم متن تاریخی هم متن کلامی و فلسفی. در حالی که تصحیح هر متنی دانش ویژه خود را می‌طلبد و هر متن در هر موضوعی را کسی باید تصحیح کند که در آن موضوع کار کرده باشد و با اصطلاحات و مسائل آن علم آشنایی لازم را داشته باشد. مساله دیگری که اهمیت آن کمتر از مسئله قبلی نیست این است که وقت و حوصله کافی شرط ضروری تصحیح متن است. متأسفانه شتاب‌زدگی در امر تصحیح آفت مهم و شایعی است و بسیاری را می‌بینیم که به جهات مختلفی مثل این که کار دیگری را به‌دست بگیرند یا کتابشان در تاریخ معین تمام شود و مثلاً به نمایشگاه کتاب برسد وقت کافی برای آن نمی‌گذارند و دقت لازم را در تصحیح متن به خرج نمی‌دهند و خلاصه اینکه شتاب‌زدگی آفت مهمی است.

از جهت دیگر ملاحظه می‌کنیم تعدادی از متون مهم ما که تصحیح شایسته‌ای از آنها انجام نشده است همچنان به حال خود مانده‌اند. به‌عنوان نمونه «تمهید الاصول» شیخ طوسی کتاب کلامی مهمی است که سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و دیگر هم تجدید چاپ نشد و به همان شکل مغلوب باقی مانده است و یا اینکه «الذخیره» سید مرتضی را با همان تصحیح اولیه و شتابزده‌اش همچنان انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ می‌کند بدون اینکه ویرایش جدیدی از آن ارائه دهد. بسیاری از میراث مکتوب ما متأسفانه هنوز چاپ‌های قابل اعتمادی ندارند.

با توجه به فعالیت موسساتی که در راستای احیا و صیانت از این نسخه‌ها در کشور در حال فعالیت هستند، هنوز بسیاری از آثار شناسایی نشده و مغفول مانده‌اند. به نظر شما جای خالی تیمی قوی برای شناسایی این آثار در موسسات احساس نمی‌شود؟

بله، ببینید اولین گام فهرست‌نگاری و ارائه فهرستی از دارایی‌های ما از نسخه‌های خطی است. می‌دانیم که ایران پس از ترکیه، غنی‌ترین منابع و ذخائر عظیم نسخه‌های خطی اسلامی را در جهان دارد و با اینکه فهرست‌نگاری و شناسایی و معرفی نسخه‌ها در کشورمان عمری حدود نود ساله دارد، با این‌حال هنوز بیش از نیمی از نسخه‌های ما هنوز فهرست نشده‌اند حتی در کتابخانه‌های بزرگ و معتبرمان، و چه بسیارند نسخه‌هایی که در گوشه و کنار این مرز و بوم وجود دارند و ما از آنها بی‌اطلاعیم و دست محققان و پژوهشگران ما از آنها کوتاه است. در اینکه معرفی نسخه‌های خطی باعث می‌شود کار پژوهش و تحقیق دو چندان شود و پژوهشگران با استفاده از این کتابشناسی‌ها به تحقیقاتی تازه روی بیاورند بحثی نیست اما این که مؤسسات پژوهشی خود تیمی تشکیل بدهند برای شناسایی نسخ، به نظر حرف، حرف قشنگی است اما عملی نیست. این کار باید از طریق کانال خودش انجام شود آنچه مهم است نگاه مدیریت کلان فرهنگی کشور است به این امر خطیر. به هر اندازه که از نگاه آنان مساله با اهمیت باشد طبیعتاً پشتیبانی قوی‌تری خواهند کرد که نتیجه‌اش را بعدها خواهیم دید.

یکی از نقاط ضعف پژوهشکده‌هایی که در زمینه تحقیقات اسلامی و خاصه فلسفه اسلامی فعالیت می‌کنند، کم توجهی به احیای تراث اسلامی و فلسفی است. اگر پاسخ شما به این نقطه‌نظر مثبت است، راه برون‌رفت را در چه مسائلی ارزیابی می‌کنید؟ و اگر پاسخ منفی است، مصداقی از فعالیت‌های احیا و انتشار نسخ خطی در پژوهشکده‌ها بفرمایید؟

البته کم توجهی به موضوع احیای تراث اختصاصی به پژوهشکده‌ها و مراکز تحقیقی ندارد. عموماً در کشور ما نگاهی جدی به موضوع احیای تراث مشاهده نمی‌شود. مشکل اساسی ما این است که بسیاری از فرهیختگان ما با نسخه خطی آشنا نیستند و تصحیح متون را جدی نمی‌گیرند. از طرف دیگر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تصحیح متن را از دانشجو به عنوان پایان‌نامه به‌راحتی نمی‌پذیرند. البته این امر تازگی ندارد شیخ آقا بزرگ تهرانی آن علامه جلیل‌القدر که عمر خود را بر سر کتابشناسی و معرفی نسخه‌ها و مؤلفان آنها گذاشت در همان زمان نگارش کتاب سترگ «الذریعه» مورد بی‌توجهی برخی از آقایان نجف بود و معتقد بودند که این علامه سخت‌کوش وقت خود را تلف می‌کند. البته اکنون مثل سابق نیست و وضع بهتر شده است هم اقبال به کتابشناسی و نسخ بیشتر شده است و هم تشویق و قدردانی از حامیان این عرصه فرهنگی. درباره آثار فلسفی که اشاره کردید باید بگویم متون فلسفی کهن ما هم فهم و درک آن دشوار است و مصحح باید با عمق مطالب فلسفی آشنا باشد و هم در فن تصحیح مهارت کافی داشته باشد.

از طرفی مخاطب آن هم خاص است و کسی که وقت و دقت فراوانی روی یک متن فلسفی می‌گذارد از همان ابتدای امر می‌داند کتاب او کتاب پرفروشی نیست و عوائد اقتصادی چندانی در پی ندارد. اکنون ببینید نشر میراث مکتوب که تعداد قابل توجهی از آثار فلسفی را به طبع رسانده شمارگان کتاب‌هایش به چه عددی تنزل پیدا کرده است. با این حال بعضی تصحیحات انجام شده قابل

قدردانی هستند و بادقت صورت گرفته‌اند، مثل تصحیح کتاب «الافق المبين» میرداماد که آقای حامد ناجی‌اصفهانی انجام داده و همچنین کتاب «تقویم الایمان» میرداماد که آن را علی اوجبی تصحیح کرده‌اند که ای کاش برای تصحیحات بعدی‌شان هم همین اندازه وقت صرف می‌کردند.

منبع: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)